رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۶، فروردین ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(1), 2025

مقایسه طرحواره‌های هیجانی سازگار-ناسازگار و تنظیم هیجان مثبت-منفی در دانشجویان ایرانی و افغانستانی: یک مطالعه بین فرهنگی

Comparison of adaptive-maladaptive emotional schemas and positive-negative emotion regulation in Iranian and Afghan students: Across-cultural study

دکتر مهدی رضایی (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
محمد علی محمدی
کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
دکتر هادی صمدیه
استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

Dr. Mehdi Rezaei *
Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.
Mehdi.rezaei15@birjand.ac.ir
Mohammad-Ali Mohammadi
M.A. in Educational Psychology, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.
Dr. Hadi Samadieh
Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.

چکیده

هدف مطالعه حاضر مقایسه تفاوت طرحواره‌های هیجانی (سازگار-ناسازگار) و راهبردهای تنظیم هیجان (مثبت-منفی) بین دانشجویان ایرانی و افغانستانی بود. روش پژوهش علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل تمام دانشجویان ایرانی و افغانستانی بود که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در دانشگاه بیرجند مشغول به تحصیل بودند. از میان آن‌ها تعداد ۲۲۰ نفر (۱۱۰ دانشجوی ایرانی و ۱۱۰ دانشجوی افغانستانی) از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (CERQ؛ گارنفسکی و همکاران، ۲۰۲۲) و مقیاس طرحواره‌های هیجانی (LESS؛ لیهی، ۲۰۰۲) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل کوواریانس چندمغیره (مانکووا) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین دو گروه در طرحواره‌های هیجانی ناسازگار (کنترل‌ناپذیری، خردگرایی و اندیشناکی) و راهبردهای تنظیم هیجان منفی (سرزنش و تلقی فاجعه‌آمیز) تفاوت معنادار وجود دارد (p<۰/۰۰۱). این نتایج نشان می‌دهد که طرحواره‌های هیجانی و تنظیم هیجان سازه‌های فرهنگی-اجتماعی هستند و به عنوان پیامدی از تعاملات پیچیده اجتماعی، تاریخی، زبانی و روان‌شناختی، در فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های متفاوت شکل می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: *تنظیم هیجان، طرحواره‌های هیجانی، افغانستان، ایران.*

Abstract

This study aimed to compare emotional schemas (adaptive-maladaptive) and emotion regulation strategies (positive-negative) between Iranian and Afghan students. The research method was a causal-comparative. The statistical population included all Iranian and Afghan students at the University of Birjand in the second semester of the academic year 2023-2024. Among them, 220 people (110 Iranian students and 110 Afghan students) were selected through the available sampling method. Research questionnaires included: The cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ; Garnefski et al., 2002) and the Leahy Emotional Schemas Scale (LESS; Leahy, 2002). Multivariate covariance analysis (MANCOVA) was also used to analyze the data. The findings showed that there is a significant difference between the two groups in maladaptive emotional schemas (uncontrollability, rationalism, and rumination) and negative emotion regulation strategies (blaming and catastrophizing) (p<0.001). These results show that emotional schemas and emotional regulation are socio-cultural and are formed in different ways as a result of complex social, historical, linguistic, and psychological interactions in different cultures.

Keywords: *Emotion Regulation, Emotional Schema, Afghan, Iran.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مهر ۱۴۰۳** **پذیرش: آبان ۱۴۰۳** **ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

مقدمه

انسان‌ها، مشابه بسیاری از نخستی‌های دیگر به صورت گروهی زندگی می‌کنند و در فرآیندهای اجتماعی شرکت می‌کنند. یکی از مهمترین منابع این فرآیندهای اجتماعی، تجارب هیجانی است. طوری‌که هیجان و تجارب هیجانی در حدود ۹۰ درصد موارد، موضوع مکالمات روزمره هستند (هینز و بوی[1]، ۲۰۲۳). بنابراین، تجارب هیجانی با غنی‌سازی و معنادار بودنِ زندگی روزمره رابطه بالایی دارد (کاراگز و رامکیزون[2]، ۲۰۲۳). اساس و زیربنای این تجارب هیجانی را طرحواره‌های هیجانی[3] (باورهای هیجانی) تشکیل می‌دهند (لیهی[4]، ۲۰۰۲، ۲۰۲۲). طرحواره‌های هیجانی، باورهای فردویژه و هسته‌ایی درباره هیجان‌ها هستند که زمینه را برای بروز و ابراز (تجربه) هیجان خاص مهیا می‌کنند یا فرد از تجربه هیجانی خاص بازداری می‌کنند (لیهی، ۲۰۲۲). طرحواره‌های هیجانی شامل دو دسته‌ی طرحواره‌های سازگار (از قبیل اعتباربخشی، قابل درک بودن، ارزش‌های برتر، توافق، پذیرش و ابراز هیجانی) و طرحواره‌های ناسازگار (مثل احساس گناه، دیدگاه ساده‌انگارانه درباره هیجان، کنترل-ناپذیری، بی‌حسی هیجانی، خردگرایی، تداوم، سرزنش و اندیشناکی) هستند. طرحواره‌های هیجانی سازگار منجر به استفاده از راهبردهای تنظیم هیجانی مثبت (مثل پذیرش شرایط و ارزیابی مثبت) و طرحواره‌های هیجانی ناسازگار منجر به استفاده از راهبردهای تنظیم هیجانیِ منفی (از قبیل سرزنش خود یا دیگران) می‌شوند. در واقع مدل طرحواره‌های هیجانیِ[5] (ESM) (۲۰۰۲، ۲۰۱۸) ادعا می‌کند که تفسیرهای منفی درباره هیجان، توالی استفاده از راهبردهای تنظیم هیجان منفی را تسریع می‌بخشد و به طور انعطاف‌ناپذیری طرحواره‌های هیجانی ناسازگار را ماندگارتر می‌کند و بالعکس. بنابراین، پرداختن و مطالعه طرحواره‌های هیجانی و پیامدهای تنظیم هیجانی آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

در ادبیات پژوهشی، طرحواره‌های هیجانی به طور معمول از طریق نظریه فراشناختیِ[6] ولز[7] یا نظریه فراهیجان[8] گاتمن مفهوم‌سازی می‌شوند (لیهی، ۲۰۲۲). به عبارت دیگر، مدل طرحواره‌های هیجانیِ لیهی (۲۰۰۲، ۲۰۱۸) بر اساس این دو نظریه ارائه شده است. طبق نظریه فراشناختی افراد باورهای نسبتاً پایداری در مورد ماهیت و کیفیت فرآیندهای شناختی خود دارند. چنین باورهایی ممکن است مربوط به فرآیند شناخت یا محتوای خاص افکار باشد. این باورهای فراشناختی، نحوه واکنش فرد به فرآیندهای شناختی را شکل می‌دهند. نظریه فراشناختی برای هیجان‌ها نیز به کار می‌رود، زیرا باورهای هسته‌ایی (یعنی طرحواره‌ها) در مورد هیجان‌ها ممکن است نحوه تفسیر، درک و پاسخ یک فرد به تجربیات هیجانی را هدایت کند (لیهی، ۲۰۱۸، ۲۰۲۲). نظریه‌پردازان دیگر طرحواره‌های هیجانی را از دریچه نظریه فراهیجان مفهوم‌سازی می‌کنند (مثل، لیهی، ۲۰۱۹؛ لیهی و همکاران، ۲۰۱۹). فراهیجان‌ها واکنش‌های ثانویه نسبت به تجربیات هیجانی هستند (لیهی، ۲۰۲۲). به عنوان مثال، فردی که سخنرانی می‌کند ممکن است از سطح اضطراب خود در حین صحبت احساس خجالت کند. مفهوم‌سازی فراهیجان نشان می‌دهد که باورهای مربوط به هیجان‌ها (طرحواره‌ها) در شکل دادن به واکنش‌های ثانویه نسبت به هیجان نقش دارند. با این حال، مفهوم‌سازی فراهیجان به طور خاص بر پیامدهای طرحواره‌های هیجانی برای خودتنظیمی تمرکز می‌کند (کندارتیو و فومین[9]، ۲۰۲۴). علی‌رغم تأکیدهای متفاوت آن‌ها (یعنی فرآیندهای شناختی در مقابل فرآیندهای تجربی)، مفهوم سازی‌های فراشناختی و فراهیجانی تا حد زیادی با هم سازگار هستند. هر دو بر باورهای فردویژه که یک فرد در مورد هیجان‌ها دارد تاکید زیادی دارند؛ نقش اصلی این باورها را در شکل‌دهی پاسخ‌های ثانویه به تجربیات هیجانی در نظر می‌گیرند و معتقد باورهای مثبت و منفی منجر به راهبردهای تنظیمی مثبت و منفی خواهد شد.

هر دو نظریه فراشناخت و فراهیجان از طرحواره‌های هیجانی یک دیدگاه تحولی[10] را برای درک علت‌شناسی طرحواره‌های عاطفی هیجانی بیان می‌کنند. طبق این نظریات، طرحواره های هیجانی در پاسخ به تجربیات خاص فرد، به ویژه تجارب دوران کودکی در زمینه روابط بین‌فردی، ایجاد می‌شوند که احتمال دارد از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد (کندارتیو و فومین[11]، ۲۰۲۴). با این حال، توجه تجربی نسبتا کمی به پیشبرد این دیدگاه تحولی در فرهنگ‌های مختلف شده است. در عوض، بیشتر تحقیقات در مورد طرحواره‌های هیجانی، بررسی همبستگی‌های روانی-هیجانی را در اولویت قرار داده‌اند. از قبیل ارتباط آن با افسردگی (براندائو[12] و همکاران، ۲۰۲۴)، اضطراب (لیهی و همکاران، ۲۰۱۹؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲)، وسواس فکری-عملی (اکیک[13] و همکاران، ۲۰۲۳) و اختلالات شخصیت (ادواردز[14] و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، بررسی

1 Hinsz & Bui
2 Karagöz & Ramkissoon
3 emotional schemas
4 Leahy
5 emotional schemas model
6 metacognitive theory
7 Wells
8 metaemotion theory
9 Kondratyev & Fomin
10 developmental
11 Kondratyev & Fomin
12 Brandão
13 Ekici
14 Edwards

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

تفاوت‌های فرهنگی در طرحواره‌های هیجانی و متعاقب آن راهبردهای تنظیم هیجانی جهت درکِ بهتر علت‌شناسی آن مفید خواهد بود. در این راستا، هدف اصلی این مطالعه، تعیین تفاوت‌ها فرهنگی در طرحواره‌های هیجانی و راهبردهای تنظیم هیجانی می‌باشد.

دیدگاه‌های بین‌فرهنگی نشان می‌دهد که طرحواره‌های هیجانی و به تبع آن تنظیم هیجان، سازه‌های فرهنگی-اجتماعی[1] هستند که به چندین شکل تحت‌تأثیر عوامل فرهنگی- اجتماعی قرار می‌گیرند. اول اینکه، نگرش مثبت (مثل پذیرش هیجان) و منفی (مثل خردگرایی) به هیجان، ارتباط نزدیکی با ارزش‌های فرهنگیِ فردگرایی (جوامع غربی) و جمع‌گرایی (جوامع شرقی) دارد (کلاین[2] و همکاران، ۲۰۲۴؛ اسچانک[3] و همکاران، ۲۰۲۲؛ توساینت[4] و همکاران، ۲۰۲۳). به عبارت دیگر، هر فرهنگ انتظار خاصی از رفتار و هیجان‌های افراد دارد. برای مثال، بعضی از مطالعات نشان‌می‌دهد که فرهنگ‌های غربی نمرات بالاتری در ابراز هیجانی می‌گیرند و سرکوب را برای روابط بین‌فردی و خودپنداره مضر می‌دانند. در مقابل، فرهنگ‌های شرقی تمایل بیشتری به سرکوب هیجانی دارند (کراوس[5] و همکاران، ۲۰۲۴؛ آکا[6] و همکاران، ۲۰۲۳؛ توساینت[7] و همکاران، ۲۰۲۳). دوم این‌که، باورهای کلیشه‌ای مربوط به جنسیت نیز در شکل دادن به طرحواره‌ها و راهبردهای تنظیم هیجانی نقش اساسی دارند. در فرهنگ‌های شرقی، مردانگی با خودکنترلی هیجانی، خردگرایی و رقابت‌پذیری مشخص می‌شود، در حالی که زنانگی با حساسیت هیجانی، بیانگری و تسلیم بودن مشخص می‌شود (رنر و ماش[8]، ۲۰۱۹؛ رنجبر[9] و همکاران، ۲۰۲۳). سوم این‌که، فرایند اجتماعی شدن و اصول تعلیم و تربیت ممکن است در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت باشد. مثلا فرهنگ‌هایی که نگرش به بدرفتاری با کودک مثبت است، انتظار می‌رود نمرات طرحواره‌های هیجانی ناسازگار و راهبردهای تنظیم هیجان منفی از نوع سازگار و مثبت بیشتر باشد. برای مثال یک مطالعه در ۹ کشور از قاره‌های متفاوت (ایران، ترکیه، آلمان، یونان، چین، پرتغال، شیلی، اروگوئه و آفریقای جنوبی) نشان داد که حساسیت‌های فرهنگی نسبت به بدرفتاری متفاوت است. در این مطالعه مادران هلندی و آفریقای جنوبی به ترتیب بیشترین و کمترین حساسیت را به بدرفتاری داشتند (میثم[10] و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، انتظار می‌رود حساسیت‌های فرهنگی با تجارب هیجانی مرتبط باشند. چهارم اینکه، تجربیات مشترک دو جامعه مانند فقر، جنگ و مهاجرت می‌تواند در شکل‌گیری طرحواره‌های هیجانی موثر باشد. در این راستا، هدف دوم این مطالعه مقایسه بین‌فرهنگی (ایران و افغانستان) در ابعاد و مولفه‌های طرحواره‌ها و راهبردهای تنظیم هیجانی است.

فرهنگ‌های ایرانی و افغانستانی با وجود این‌که از فرهنگ‌هایی شرقی و جمع‌گرا محسوب می‌شوند، تفاوت‌هایی دارند که شاید بر طرحواره‌ها و راهبردهای تنظیم هیجانی تاثیرگذار باشد. برای مثال، فرهنگ افغانستانی به شدت به کلیشه‌های جنسیتی وابسته می‌باشد (افروز[11] و همکاران، ۲۰۲۳) و کلیشه‌های جنسیتی می‌تواند ابراز و ادارک هیجانی را تحت‌تاثیر قرار دهد (جانگ‌بلوت و هایم[12]، ۲۰۲۳؛ رنر و ماش، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، مردان افغانستانی بیشتر نقش سنتیِ جنسیتی و زنان ایران بیشتر نقش جنسیتی دوگانه دارند که تجربه و بروز هیجان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (خسروی و همکاران، ۱۴۰۲). بعلاوه، جمعیت افغانستانی تجارب آسیب‌زا را به عنوان یکی از ریشه‌های تحولی طرحواره‌های هیجانی، در حد بسیار بالا (۸۵ درصد) تجربه می‌کنند (سالیم[13] و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین، تجربه یا مشاهده مکرر جنگ و ترور که در افغانستان شایع است، تجربه و ادارک هیجانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط، اکثر هیجان‌های مشاهده‌شده یا تجربه‌شده و حتی حالت‌های چهره‌ایی خنثی به عنوان خشم و ترس تفسیر می‌شوند. همچنین پذیرش هیجان‌های مثبت در این وضعیت به دشواری انجام می‌گردد و حتی فرد خودش را جهت تجربه‌ی هیجان مثبت سرزنش می‌کند (هوتچیسون[14] و همکاران، ۲۰۱۰). در نهایت، حساسیت‌های فرهنگی نسبت به بدرفتاری در افغانستان پایین است و حتی تنبیه جسمانی (سواستفاده فیزیکی) عمل غیراخلاقی محسوب نمی‌شود (ونتوگل[15] و همکاران، ۲۰۱۳؛ به نقل از افروز و همکاران، ۲۰۲۳). هرچه قدر این حساسیت‌ها پایین باشد احتمال تجربه طرحواره‌های و راهبردهای هیجانی ناسازگار بیشتر است (لیهی، ۲۰۲۲).

به صورت کلی، از نظر برخی نظریه‌پردازان از قبیل کراس و همکاران (۲۰۲۴) و لیهی (۲۰۱۸) مطالعه بین‌فرهنگی در زمینه طرحواره‌ها و راهبردهای تنظیم هیجان از اهمیت زیادی برخوردار است و به دلایل مختلف ضرورت دارد: اول این‌که، درک تفاوت‌های بین‌فرهنگی در این حیطه به افزایش تفاهم و برقراری ارتباط مؤثرتر بین افراد از فرهنگ‌های مختلف کمک می‌کند. به عبارت دیگر، شناخت تفاوت‌های فرهنگی در ابراز

1 sociocultural constructs
2 Klein
3 Schunk
4 Toussaint
5 Kraus
6 Aka
7 Toussaint
8 Renner & Masch
9 Ranjbar
10 Mesman
11 Afrouz
12 Jungblut & Haim
13 Saleem
14 Hutchiso n
15 Ventevogel

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

(نوعی طرحواره هیجانی) و تنظیم هیجان‌ها می‌تواند در کاهش سوءتفاهم‌ها و تعارضات بین‌فرهنگی مفید واقع گردد. دوم این‌که، شناخت تنوعات فرهنگی در طرحواره‌ها و راهبردهای تنظیم هیجان می‌تواند در طراحی برنامه‌های مؤثرتر برای ارتقاء سلامت روان مفید باشد. سوم این‌که، در محیط‌های کاری و آموزشی چندفرهنگی، درک تفاوت‌های فرهنگی در این زمینه به افزایش کارایی و بهبود همکاری بین افراد از فرهنگ‌های متفاوت منجر می‌شود. به عبارت دیگر، شناخت طرحواره‌های هیجانی مختلف می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و درمانی بهتر و متناسب با هر فرهنگ کمک کند. در نهایت، مطالعات بین‌فرهنگی امکان ارزیابی و تحلیل دقیق‌تر مفاهیم و نظریات روانشناسی هیجان را فراهم می‌آورد و می‌تواند به توسعه نظریات کلی و جامع‌تر کمک کند. بنابراین، با توجه به حضور پررنگ اتباع افغانستانی در ایران، مطالعه حاضر با هدف مقایسه طرحواره‌ها و راهبردهای تنظیم هیجانی در دو فرهنگ ایرانی و افغانستانی انجام گرفت.

روش

روش پژوهش حاضر علی-مقایسه‌ایی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان ایرانی (۸۳۰۰ نفر) و افغانستانی (۵۷۰ نفر) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که از این تعداد ۲۴۰ نفر (۱۲۰ نفر ایرانی و ۱۲۰ نفر افغانستانی) با روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل موارد زیر بود: داشتن حداقل ۱۸ سال سن یا بیشتر برای هر دوگروه، تمایل به شرکت در مطالعه و رضایت آگاهانه کتبی در هر دوگروه، دانشجو بودن برای تمام شرکت‌کنندگان، متولد و بزرگ شده ایران بودن برای دانشجویان ایرانی، متولد و بزرگ شده افغانستان بودن برای دانشجویان ایرانی، سکونت و زندگی در ایران از ۱ تا ۴ سال برای دانشجویان افغانستانی، عدم وجود و سابقه اختلال‌های روان‌شناختی و جسمانی بر حسب خودگزارشی شرکت‌کنندگان و عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی. همچنین، افرادی که در حین تکمیل پرسشنامه‌ها عجله داشته یا به ۵ درصد یا بیشتر سئوالات پاسخ نمی‌دادند از مطالعه خارج شدند. جهت رعایت اخلاق پژوهشی علاوه بر رضایت آگاهانه کتبی، اطلاعات هویتی در پرسشنامه‌ها قید نشد و به تمام دانشجویان اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه می‌ماند. همچنین دانشجویان در صورت تمایل می‌توانستند از تکمیل پرسشنامه‌ها خودداری کنند. قبل از تجزیه و تحلیل اطلاعات، داده‌های پرت حذف شدند (از هر گرو ه ۱۰ نفر) و تعداد نمونه به ۲۲۰ نفر کاهش یافت. درنهایت داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکووا) با اصلاح بنفرونی و بوسیله نرم‌افزار $SPSS_{26}$ انجام گردید.

ابزار سنجش

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان[1] (CERQ): این پرسشنامه توسط گارنسفکی[2] و همکاران (۲۰۰۲) طراحی شده و ۳۶ گویه دارد که بر اساس مقیاس لیکرت در دامنه هرگز (۱) تا همیشه (۵) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه ۹ خرده‌مقیاس دارد و هر ۴ گویه یک خرده‌مقیاس را تشکیل می‌دهد (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۲). خرده‌مقیاس‌ها عبارت‌اند از: سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار فکری، تلقی فاجعه‌آمیز، توسعه چشم‌انداز، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مثبت، پذیرش شرایط و برنامه‌ریزی‌کردن. برای این پرسشنامه می‌توان دو نمره کلی در راهبردهای تنظیم شناختی هیجان مثبت و منفی بدست آورد. نمرات هر خرده‌مقیاس در دامنه ۴ تا ۲۰ قرار دارد. همسانی درونی این پرسشنامه در دامنه ۰/۶۸ (سرزنش دیگران) تا ۰/۸۳ (نشخوار فکری) گزارش شده است. همچنین ضریب بازآزمایی با فاصله ۵ ماهه ۴۱ (پذیرش) تا ۰/۸۵ (سرزنش خود) بدست آمده است. به علاوه روایی همزمان خرده‌مقیاس‌های منفی و مثبت با پرسشنامه افسردگی بک به ترتیب در دامنه ۰/۳۹ تا ۰/۵۸ و ۰/۴۳- تا ۰/۶۱- برآورد شده است (گارنسفکی و همکاران، ۲۰۰۲). در ایران نیز حسنی (۱۳۸۹) با تأیید ساختار ۹ عاملی، همسانی درونی را برای نمره کل برابر با ۰/۹۲ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰/۷۶ (سرزنش خود) تا ۰/۸۸ (سرزنش دیگران) برآورد کردند. بعلاوه، پایایی به روش بازآزمایی با فاصله زمانی ۳ تا ۴ هفته‌ایی از ۰/۵۱ (پذیرش) تا ۰/۷۱ (سرزنش دیگران) متغیر بود. همچنین همبستگی درونیِ گویه‌ها با نمره کل نیز بین ۰/۴۶ تا ۰/۷۵ و معنادار گزارش شد. به علاوه، آن‌ها روایی همزان آن با پرسشنامه افسردگی بک ۰/۲۵- (پذیرش) تا ۰/۴۸ (فاجعه‌سازی) برآورد کردند (حسنی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۹ و برای مولفه‌های ناسازگار و سازگار به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۴ بدست آمد.

مقیاس طرحواره‌های هیجانی لیهی[3] (LESS): نسخه اصلیِ مقیاس طرحواره‌های هیجانی که توسط لیهی (۲۰۰۲) ساخته شده است، باروهای هیجانی را در قالب ۵۰ گویه و در یک مقیاس ۶ درجه‌ایی (۱= درباره من کاملاً اشتباه است، ۶= درباره من درست است) می‌سنجد (لیهی، ۲۰۰۲). این مقیاس دارای ۱۴ مولفه به شرح زیر می‌باشد: اعتباربخشی، قابل درک بودن هیجان، احساس گناه، دیدگاه ساده‌انگارانه درباره هیجان،

1 Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ)
2 Garnefski
3 Leahy Emotional Schemas Scale (LESS)

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

ارزش‌های برتر، کنترل‌ناپذیری، بی‌حسی هیجانی (در نسخه فارسی حذف شده است، خردگرایی، تداوم (در نسخه فارسی حذف شده است)، توافق، پذیرش[1]، ابراز هیجانی، سرزنش، اندیشناکی و خودآگاهی هیجانی (در نسخه فارسی اضافه شده است). در این مقیاس علاوه بر نمرات مربوط به مولفه‌ها، دو نمره طرحواره‌های هیجانی ناسازگار و سازگار بدست می‌آید (لیهی، ۲۰۰۲). لیهی (۲۰۰۲) روایی همگرای طرحواره‌های هیجانی ناسازگار با پرسشنامه‌های اضطراب و افسردگی بک به ترتیب ۰/۴۴ و ۰/۶۵ برآورد شده است. همچنین لیهی (۲۰۰۲) آلفای کرونباخ را برای نمره کل ۰/۸۱ گزارش کرده است. نسخه ایرانی این مقیاس ۳۷ گویه دارد (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). خانزاده و همکاران (۱۳۹۲) پایایی آن را به روش بازآزمایی با فاصله دو هفته برای نمره کل مقیاس ۰/۷۸ و برای زیرمقیاس‌ها در دامنه بین ۰/۵۶ تا ۰/۷۱ گزارش کرده‌اند. همچنین آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ و برای زیرمقیاس‌ها در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۷۳ گزارش شده است (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). بعلاوه همبستگی درونی مقیاس از ۰/۵۹ (گویه ۲۴) تا ۰/۹۱ (گویه‌های ۳۹ و ۴۱) متغیر بود. همچنین روایی همگرای آن با زیر مقیاس‌های پرسشنامه مشکلات تنظیم هیجانی[2] در دامنه ۰/۱۱ ($p<۰/۰۵$) تا ۰/۶۱ گزارش گردیده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ و برای مولفه‌های ناسازگار و سازگار به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۰ بدست آمد.

یافته ها

در این مطالعه ابتدا داده‌های جمعیت شناختی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفت. در این راستا، فراوانی مردان و زنان به ترتیب برای دانشجویان ایرانی ۷۱ (۶۴/۳۵٪) و ۳۹ (۳۵/۵٪) نفر و برای دانشجویان افغانستنی ۱۰۱ (۹۱/۸ درصد) و ۹ نفر (۸/۲ درصد) بود. به لحاظ جنسیت بین دو گروه تفاوت معنادار بود ($p<۰/۰۰۱$، $X^2_{(۱)}=۲۳/۹۸$). میانگین و انحراف استاندارد سنی برای دانشجویان ایرانی ۲/۴۹± ۲۴/۶۸ و برای دانشجویان افغانستانی ۶/۸۵± ۲۸/۰ بود که افغانستانی‌ها به طور معناداری مسن‌تر بودند ($p<۰/۰۰۱$، $t_{(۲۱۸)}=۴/۷۷$). از نظر مذهب، تعداد دانشجویان ایرانی شیعه و سنی به ترتیب برابر با ۱۰۳ (۹۳/۶٪) و ۷ (۶/۴٪) نفر و برای دانشجویان افغانستانی به ترتیب برابر با ۹۰ (۸۱/۸٪) و ۲۰ (۱۸/۲٪) نفر بودند که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود داشت ($p<۰/۰۰۸$، $X^2_{(۱)}=۷/۱۳$). بر اساس وضعیت تأهل، اکثر دانشجویان مجر بودند. در دانشجویان ایرانی به ترتیب ۹۷ (۸۸/۲٪) و ۱۳ (۱۱/۸٪) نفر مجرد و متأهل بودند. درحالیکه، به ترتیب ۸۷ (۷۹/۱٪) و ۲۳ (۲۰/۹٪) نفر از دانشجویان افغانستانی مجرد و متأهل بودند ($p<۰/۰۶۸$، $X^2_{(۱)}=۳/۱۳$). به لحاظ وضعیت اشتغال، فقط ۹ (۸/۲٪) نفر از ایرانی‌ها شاغل بودند. ولی ۱۰۰ درصد (۱۱۰ نفر) افغانستانی‌ها شاغل بودند ($p<۰/۰۰۲$، $X^2_{(۱)}=۹/۳۸$). از نظر سطح تحصیلات نیز بیشترین فراوانی مربوط به مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بود که در بین آنها ۴۶ (۴۱/۸٪) دانشجو ایرانی و ۶۵ (۵۸/۶٪) دانشجو افغانستانی بودند و به لحاظ تفاوت آماری نیز معنادار بود ($p<۰/۰۰۶$، $X^2_{(۲)}=۱۰/۱۹$). بنابراین، این مطالعه متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، مذهب، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات به عنوان همپراش (متغیر کنترل) وارد تحلیل شدند. در گام دوم تحلیل، یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه بررسی شد که در جدول شماره ۱ گزارش شده‌اند. جدول ۱ ضرایب همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار تنظیم شناختی و طرحواره‌های هیجانی به تفکیک گروه‌ها

متغیر	دانشجویان ایرانی	دانشجویان افغانستانی	کل نمونه
	میانگین±انحراف استاندارد	میانگین±انحراف استاندارد	میانگین±انحراف استاندارد
سرزنش خود	۱۱/۶۰ ± ۳/۳۶	۱۴/۳۵ ± ۳/۸۵	۱۲/۹۸ ± ۳/۸۶
پذیرش شرایط	۱۱/۶۱ ± ۳/۰۶	۱۱/۵۰ ± ۲/۵۶	۱۱/۰۶ ± ۲/۸۵
نشخوار فکری	۱۲/۴۱ ± ۳/۰۸	۱۲/۸۵ ± ۳/۳۲	۱۲/۶۳ ± ۳/۲۰
تمرکز مجدد مثبت	۱۰/۷۶ ± ۲/۹۴	۱۰/۴۳ ± ۳/۲۷	۱۰/۶۰ ± ۳/۱۰
برنامه‌ریزی کردن	۱۰/۸۹ ± ۲/۴۳	۱۰/۱۷ ± ۲/۴۰	۱۰/۵۳ ± ۲/۴۳
ارزیابی مثبت	۱۳/۷۹± ۳/۶۰	۱۲/۸۹ ± ۲/۹۴	۱۳/۳۴ ± ۳/۳۱
توسعه چشم‌انداز	۱۱/۶۶ ± ۲/۵۶	۱۱/۲۰ ± ۳/۰۶	۱۱/۴۳ ± ۲/۱۳

1 Acceptance
2 Difficulties in Emotional Regulation Scale

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

تلقی فاجعه‌آمیز	۱۲/۹۴ ± ۳/۶۸	۱۴/۷۴ ± ۳/۴۵	۱۳/۸۴ ± ۳/۶۷
سرزنش‌دیگران	۸/۸۷ ± ۲/۶۶	۹/۶۵ ± ۲/۷۱	۹/۲۶ ± ۲/۷۱
اعتباربخشی	۵/۹۰ ± ۱/۹۱	۵/۵۳ ± ۱/۲۷	۵/۷۱ ± ۱/۶۳
قابل درک بودن	۷/۰۸ ± ۲/۲۴	۶/۷۲ ± ۲/۵۳	۶/۹۰ ± ۲/۳۹
احساس گناه	۸/۶۰ ± ۲/۵۱	۸/۷۱ ± ۲/۶۴	۸/۶۶ ± ۲/۴۸
دیدگاه ساده‌انگارانه درباره هیجان	۶/۷۳ ± ۲/۰۳	۷/۲۲ ± ۱/۹۵	۶/۹۸ ± ۲/۰۰
ارزش‌های برتر	۱۰/۰۱ ± ۲/۱۴	۱۰/۳۹ ± ۲/۱۸	۱۰/۲۰ ± ۲/۱۶
کنترل ناپذیری	۷/۰۵ ± ۲/۷۱	۹/۰۵ ± ۲/۷۱	۸/۲۱ ± ۲/۸۶
خردگرایی	۱۴/۳۱ ± ۲/۴۹	۱۵/۴۴ ± ۲/۹۳	۱۴/۸۸ ± ۲/۷۷
توافق	۵/۲۵ ± ۱/۹۶	۴/۷۰ ± ۱/۹۷	۴/۹۷ ± ۱/۹۸
پذیرش	۹/۹۱ ± ۲/۰۶	۹/۸۰ ± ۲/۳۵	۹/۸۶ ± ۲/۲۱
ابراز هیجانی	۶/۹۵ ± ۱/۷۲	۶/۷۰ ± ۱/۷۵	۶/۸۳ ± ۱/۷۵
سرزنش	۶/۶۴ ± ۱/۹۸	۶/۱۹ ± ۱/۹۳	۶/۴۱ ± ۱/۹۶
اندیشناکی	۱۲/۹۶ ± ۲/۵۸	۱۴/۳۱ ± ۲/۸۵	۱۳/۶۴ ± ۲/۷۹
خودآگاهی‌هیجانی	۱۱/۴۹ ± ۳/۲۴	۱۱/۰۷ ± ۳/۰۷	۱۱/۲۸ ± ۳/۱۵
طرحواره هیجانی سازگار	۴۶/۸۶±۶/۳۲	۴۴/۹۰±۷/۴۲	۴۵/۸۸±۶/۹۵
طرحواره هیجانی ناسازگار	۳۵/۸۵±۵/۵۸	۳۸/۵±۶/۱۲	۳۶/۹۴±۵/۹۴
تنظیم هیجان مثبت	۴۱/۹۰±۷/۵۲	۴۴/۱۶±۷/۴۲	۴۳/۰۳±۷/۲۳
تنظیم هیجان منفی	۶۴/۷۱±۱۱/۰۳	۶۰/۶۱±۱۰/۱۴	۶۲/۶۶±۱۰/۷۷

همانطوری که جدول ۱ نشان می‌دهد در اکثر طرحواره‌ها و تنظیم هیجانی سازگار و مثبت دانشجویان ایرانی نمرات بالاتری کسب کردند. درحالی که دانشجویان افغانستانی در اکثر طرحواره‌ها و تنطیم هیجانی ناسازگار و منفی نمرات بالاتری داشتند.

در گام سوم داده از طریق دو تحلیل مجزای کوواریانس چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اولین مانکوا برای تعیین تفاوت بین گروهی در نمرات طرحواره‌های هیجانی سازگار-ناسازگار و تنظیم هیجانی مثبت-منفی انجام گرفت. دومین تحلیل نیز برای تعیین تفاوت بین‌گروهی در مولفه‌های طرحواره‌ها و تنظیم هیجانی انجام پذیرفت. به این منظور، مفروضه‌های توزیع نرمال از طریق چولگی و کشیدگی وارسی شد که تمام متیغرهای پژوهش در هر دو گروه در دامنه ۲- تا ۲+ قرار داشتند. همچنین آزمون بارتلت نشان داد متغیرهای همبستگی کافی برای تحلیل را دارند ($X^2_{(۲۵۲)}$=۱۴/۱۷۹۳، p<۰/۰۰۱). آزمون لوین نیز نشان داد که همگنی واریانس‌ها فقط برای سه متغیر تمرکز مجدد مثبت، توسعه چشم‌انداز، واعتباربخشی رعایت نشده (p<۰/۰۵). همچنین همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس برای تحلیل مولفه‌های طرحواره‌های و تنظیم هیجانی رعایت نشد (p<۰/۰۰۰۱؛ F=۱/۹۱، ۵۴۱/۱۹=ام‌باکس)؛ ولی برای تحلیل نمرات کلی طرحواره‌های هیجانی سازگار-ناسازگار و تنظیم هیجانی مثبت-منفی رعایت شد (p=۰/۲۵۷؛ F=۱/۲۴، ۱۲/۶۹=ام‌باکس). البته آزمون مانکووا برای این تخطی‌ها مقاوم بوده و همچنین می‌توان برای جبران از سطح آلفای گیرانه‌تر (p<۰/۰۲۵) و شاخص اثر پیلایی (به جای لامبدای ویلکز) استفاده کرد. در نهایت، بررسی مفروضهٔ شیب رگرسیون نشان داد که تعامل معناداری بین متغیرهای کنترل (همپراش) و عضویت گروهی وجود ندارد (p>۰/۰۵).

نتایج حاصل از اولین مانکووا با کنترل متغیرهای جنسیت، سن، مذهب، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات نشان داد که بین دو گروه در ترکیب خطی متغیرهای طرحواره‌های هیجانی سازگار-ناسازگار و تنظیم هیجانی مثبت-منفی، تفاوت معناداری وجود دارد (ηp^2 =۰/۱۲ ، p<۰/۰۰۱، $F_{(۴ و ۲۱۰)}$=۷/۲۶، ۰/۱۲=اثر پیلایی). برای پیگیری این‌که تفاوتِ بین‌گروهی در کدام متغیرهاست از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری استفاده شد (جدول شماره ۲).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای طرحواره‌های هیجانی سازگار-ناسازگار و تنظیم هیجانی مثبت-منفی

منابع	متغیر وابسته	درجه آزادی	مجموع مجذورات درجه سوم	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
	طرحواره هیجانی سازگار	۱	۲۱۲/۰۷	۲۱۲/۰۷	۴/۴۵	۰/۰۳۶	۰/۰۲
عضویت گروهی	طرحواره هیجانی ناسازگار	۱	۲۶۱/۸۱	۲۶۱/۸۱	۷/۶۲	۰/۰۰۶	۰/۰۳
	تنظیم هیجانی مثبت	۱	۲۸۱/۸۳	۲۸۱/۸۳	۵/۰۴	۰/۰۲۶	۰/۰۲
	تنظیم هیجانی منفی	۱	۹۲۴/۵۵	۹۲۴/۵۵	۸/۲۲	۰/۰۰۵	۰/۰۴
	طرحواره هیجانی سازگار	۲۱۳	۱۰۳۷۰/۸۵	۴۷/۵۷			
	طرحواره هیجانی ناسازگار	۲۱۳	۷۴۸۳/۵۳	۳۴/۳۲			
خطا	تنظیم هیجانی منفی	۲۱۳	۱۲۱۹۶/۹۵	۵۵/۹۵			
	تنظیم هیجانی منفی	۲۱۳	۲۴۴۹۴/۲۲	۱۱۲/۳۶			

همانطوری که جدول ۲ نشان می‌دهد براساس آزمون F بین دو گروه در تمام متغیرها تفاوت معنادار است؛ اما با اصلاح بنفرونی (۰/۰۱۲> p =۰/۰۵÷۴) فقط دو متغیر طرحواره هیجانی ناسازگار (ηp^2 =۰/۰۴ ، p<۰/۰۰۵، F =۷/۶۲) و تنظیم هیجانی منفی (ηp^2 =۰/۰۳ ، p<۰/۰۰۵، F =۸/۲۲) معنادار باقی ماند.

نتایج حاصل از دومین مانکووا نیز نشان داد که با کنترل متغیرهای جنسیت، سن، مذهب، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات نشان داد که بین دو گروه در ترکیب خطی مولفه‌های طرحواره‌های هیجانی سازگار-ناسازگار (۱۳ مولفه) و تنظیم هیجانی مثبت-منفی (۹ مولفه)، تفاوت معناداری وجود دارد (ηp^2 =۰/۳۱ ، p<۰/۰۰۱، $F_{(۲۲ و ۱۹۲)}$= ۳/۹۲، ۰/۳۱=اثر پیلایی). برای پیگیری اینکه تفاوت بین‌گروهی در کدام مولفه‌های است، از تحلیل کوواریانس تک‌متغیری استفاده شد (جدول شماره ۳).

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای مولفه‌های طرحواره‌ها و تنظیم هیجانی

منابع	متغیر وابسته	درجه آزادی	مجموع مجذورات درجه سوم	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
	کنترل‌ناپذیری	۱	۲۰۳/۲۶	۲۰۳/۲۶	۲۷/۹۹	۰/۰۰۰۱	۰/۱۱
عضویت	خردگرایی	۱	۸۷/۷۱	۸۷/۷۱	۱۲/۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵
گروهی	اندیشناکی	۱	۱۰۴/۳۴	۱۰۴/۳۴	۱۴/۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶
	سرزنش خود	۱	۲۵۷/۷۷	۲۵۷/۷۷	۱۹/۸۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۸
	فاجعه‌آمیزی	۱	۱۷۶/۹۸	۱۷۶/۹۸	۱۳/۷۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶
	کنترل‌ناپذیری	۲۱۳	۱۵۴۶/۷۹	۷/۲۶			
	خردگرایی	۲۱۳	۱۵۳۰/۱۳	۷/۱۸			
خطا	اندیشناکی	۲۱۳	۱۵۸۲/۵۵	۷/۴۳			
	سرزنش خود	۲۱۳	۲۷۶۶/۷۲	۱۲/۹۸			
	فاجعه‌آمیزی	۲۱۳	۲۷۴۱/۷۲	۱۲/۸۷			

نکته: فقط مولفه‌های معنادار (با اصلاح بنفرونی؛ p<۰/۰۰۲ =۰/۰۵÷۲۲) در داخل جدول گنجانده شدند.

همانطوری که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد تفاوتِ بین‌گروهی فقط در ۳ مولفه طرحواره‌های ناسازگار (کنترل‌ناپذیری، خردگرایی و اندیشناکی) و ۲ مولفه تنظیم هیجان منفی (سرزنش خود و تلقی فاجعه‌آمیزی) معنادار است. به عبارت دیگر، دانشجویان افغانستانی در مقایسه با دانشجویان ایرانی در ابعاد کنترل‌ناپذیری، خردگرایی، اندیشناکی، سرزنش خود و تلقی فاجعه‌آمیزی به طور معناداری نمرات بالاتری داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف مقایسه طرحواره‌های هیجانی (سازگار-ناسازگار) و تنظیم هیجان (مثبت-منفی) در دانشجویان ایرانی و افغانستانی انجام گرفت. نتایج حاصل از آن نشان داد که بین دانشجویان ایرانی و افغانستانی در طرحواره‌ها و تنظیم هیجانی سازگار و مثبت تفاوت معناداری

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

وجود ندارد؛ ولی دانشجویان افغانستانی در طرحواره‌های هیجانی ناسازگار (کنترل‌ناپذیری، خردگرایی و اندیشناکی) و تنظیم هیجانی منفی (سرزنش خود و تلقی فاجعه‌آمیزی) به طور معناداری نمرات بالاتری کسب کردند.

در خصوص تفاوت معنادار در طرحواره‌های هیجانی ناسازگار (کنترل‌ناپذیری، خردگرایی و اندیشناکی) بین دانشجویان ایرانی و افغانسانی تا کنون هیچ مطالعه‌ایی این دو فرهنگ را مقایسه نکرده است و امکان مقایسه دقیق یافته‌ها وجود ندارد؛ اما این یافته با مطالعات بین‌فرهنگی از قبیل کلاینو همکاران (۲۰۲۴)، کراوس و همکاران (۲۰۲۴)، آکا و همکاران (۲۰۲۳)، توساینت و همکاران (۲۰۲۳)، رنر و ماش (۲۰۱۹) و رنجبر و همکاران (۲۰۲۳) همسو بود. در تبیین تفاوت بین دانشجویان ایرنی و افغانستانی در طرحواره‌های هیجانی ناسازگار (کنترل‌ناپذیری، خردگرایی و اندیشناکی) چندین علت احتمالی وجود دارد. اول این‌که نگرش‌های تربیتی و والدگری به عنوان عوامل موثر در فرایند اجتماعی شدن هیجان، در فرهنگ ایرانی و افغانستانی متفاوت بوده (خسروی و همکاران، ۱۴۰۲) و یکی از ریشه‌های تحولی طرحواره‌های هیجانی، والدگری و نگرش والدین به واکنش‌های هیجانی کودکان است (لیهی، ۲۰۲۲). برای مثال، موسوی و همکاران (۲۰۲۰) در یک مطالعه بین‌فرهنگی، نشان دادند مادران افغانستانی به رعایت ادب و احترام به بزرگسالان (توسط کودکان) بیش از مادران ایرانی تأکید دارند که زمینه را برای خردگرایی و عدم ابراز هیجان‌ها (بویژه هیجان‌های منفی) مهیا می‌کند. دوم این‌که، فرهنگ افغانستانی به شدت به کلیشه‌های جنسیتی وابسته است (افروز[1] و همکاران، ۲۰۲۳). کلیشه‌های جنسیتی از مردان رفتار منطقی‌تر و از زنان رفتاری هیجانی‌تر انتظار دارند. به عبارت دیگر، کلیشه‌ی مرد منطقی[2] و زن هیجانی[3] باورهای هیجانی را تحت‌تأثیر قرار داده و از مردان خردگرایی (عقلانیت) بیشتری انتظار دارد. از آنجا که مردان افغانستانی (غالبِ نمونه در مطالعه حاضر) بیشتر نقش سنتیِ جنسیتی دارند (خسروی و همکاران، ۱۴۰۲) باورِ بیشتری برای خردگرایی خواهند داشت. سوم این‌که، حساسیت‌های فرهنگی در افغانستان نسبت به بدرفتاری (بویژه بدرفتاری هیجانی؛ مثل برچسب‌زنی، مسخره‌کردن، تحقیر) به عنوان یکی دیگر از ریشه‌های تحولی طرحواره‌های هیجانی ناسازگار کمتر است (سالیم و همکاران، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر، در فرایند شکل‌گیری دلبستگی در دوران کودکی، اصولِ پایه‌ایی باورهای هیجانی از طریق پاسخ‌دهی والد نسبت به هیجان‌های کودک تشکیل می‌شوند. اگر واکنش‌های والد سبب تقویت این طرحواره کودک گردد که «احساسات من برای دیگران معنا و مفهوم ندارد و باید آن‌ها را کنترل کنم» کودک در نهایت طرحواره‌های ناسازگار جهت کنترل و عدم ابراز (خردگرایی) خواهد ساخت. از آنجا تلاش برای کنترل هیجان معمولا نتیجه عکس دارد، باورهای کنترل‌ناپذیری هیجان تشکیل می‌شوند (لیهی ۲۰۱۸).

در ارتباط با تفاوت معنادار بین دانشجویان ایرانی و افغانستانی در تنظیم هیجان منفی (سرزنش خود و تلقی فاجعه‌آمیزی) نیز هیچ مطالعه‌ایی این دو فرهنگ را مقایسه نکرده است. بنابرین، امکان مقایسه دقیق یافته‌ها مقدور نیست. البته مطالعات مشابه، تفاوت‌های فرهنگی در تنظیم هیجان را گزارش کرده‌اند که با مطالعه حاضر همسو هستند، مثل مطالعات کراوس و همکاران، (۲۰۲۴)، آکا و همکاران (۲۰۲۳)، کلاین و همکاران (۲۰۲۴)، افروز و همکاران (۲۰۲۳)، علیمی و همکاران (۲۰۲۳) و خسروی و همکاران(۱۴۰۲). در تبیین این یافته می‌توان گفت بدرفتاری با کودکان در افغانستان شیوع بالایی دارد که باعث می‌شود کودک علت تنبیه را به نواقص درونی نسبت داده و خود را به علت داشتن نقص و شرم سرزنش کند (سالیم و همکاران، ۲۰۲۱). بعلاوه، تجربه مکرر جنگ و ترور در افغانستان در فاجعه‌سازی رویدادها و هیجانات تجربه شده موثر بوده و می‌تواند تسهیل‌گر خودسرزنش‌گری شود (هوت‌چیسون و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین طبق مدل طرحواره‌های هیجانی (ESM)، طرحواره‌های هیجانی ناسازگار (مثل اندیشناکی) که در افغانستانی‌ها بیشتر بود، فرد را به سوی اتخاذ راهبردهای تنظیم هیجان منفی (از قبیل فاجعه‌سازی و سرزنش) هدایت می‌کند (لیهی، ۲۰۱۸، ۲۰۲۲). به عبارت دیگر، باور به تأمل و تعمق (اندیشناکی) درباره واکنش‌ها و تجارب هیجانی، فرد را از تجربه اصیل هیجان باز داشته و او را وادار می‌کند از تجارب هیجانی خاص اجتناب کند. از سوی دیگر، تلاش برای اجتناب و حتی کنترل هیجان معمولا نتیجه عکس می‌دهد (لیهی، ۲۰۲۲). در واقع تلاش بیشتر برای کنترل، منجر به کنترل‌ناپذیری و درنهایت اندیشناکی بیشتر خواهد شد. به صورت کلی، این مطالعه نشان می‌دهد که طبق مدل‌های فراشناختی و فراهیجانی، حداقل طرحواره‌های هیجانی ناسازگار و به تبع آن تنظیم هیجان منفی از ساختارهای فرهنگی-اجتماعی تأثیر می‌پذیرند (لیهی، ۲۰۲۲). به صورت کلی، تفاوت‌های موجود در راهبردهای تنظیم هیجان در فرهنگ‌های ایران و افغانستان می‌تواند ناشی از عوامل کلیدی زیر باشد: دو فرهنگ ایرانی و افغانستانی ارزش‌های خاص خود را دارد که می‌تواند بر روی چگونگی ابراز و تنظیم هیجان‌ها تأثیر بگذارد. برای مثال، ممکن است در ایران نسبت به افغانستان به ابراز هیجان‌های شخصی تأکید بیشتری داشته باشند (خسروی همکاران، ۱۴۰۲). بعلاوه، دو فرهنگ ذکر شده معیارهای اجتماعی متفاوتی در برخورد با هیجان‌ها دارند. برای مثال، ابراز هیجان‌های منفی مانند خشم ممکن است در افغانستان غیرقابل قبول باشد و یا در فرهنگ افغانستانی هیجان به عنوان نشانه ضعف دیده می‌شود (افروز و همکاران، ۲۰۲۳). در نهایت نحوه اجتماعی‌سازی افراد در دوران کودکی تأثیر زیادی بر راهبردهای تنظیم هیجان دارد.

1 Afrouz
2 rational man
3 Emotional woman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

آموزش‌هایی که در خانواده، مدرسه و جامعه ارائه می‌شود، می‌تواند روش‌های خاصی را برای مقابله با احساسات شکل دهد (لیهی، ۲۰۱۸). از آنجا که بین دو فرهنگ ایرانی و افغانستانی در آموزش و اجتماعی‌سازی تفاوت وجود دارد، انتظار می‌رود این تفاوت‌ها در راهبردهای تنظیم هیجان نیز احراز شوند.

به طور کلی، نتایج این مطالعه نشان داد که بین دو فرهنگ ایران و افغانستان (حداقل در سطح دانشجویی) در طرحواره‌های ناسازگار (کنترل‌ناپذیری، خردگرایی و اندیشناکی) و تنظیم هیجانی منفی (سرزنش خود و تلقی فاجعه‌آمیزی) تفاوت وجود دارد. در واقع، تفاوت‌های فرهنگی در طرحواره‌ها و راهبردهای تنظیم هیجان نشان‌دهنده تنوع عمیق در شیوه‌های ابراز و مدیریت هیجان‌ها در میان جوامع مختلف است. این تفاوت‌ها ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی چون ارزش‌های فرهنگی، معیارهای اجتماعی، تجربیات تاریخی و فرایندهای اجتماعی‌سازی شکل بگیرند. در نهایت، آگاهی از این تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به بهبود تعاملات بین‌فرهنگی، کاهش سوءتفاهم‌ها و تقویت روابط انسانی کمک کند. این آگاهی می‌تواند به افراد کمک کند تا به طور بهتری با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از تنوع فرهنگی به عنوان منبعی غنی برای یادگیری و رشد بهره‌برداری کنند.

از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اول این‌که، علاوه بر نمونه‌گیری دردسترس، تعداد مردان نسبت زنان بیشتر بود. هرچند این نقص ناشی از کم بودن دانشجویان زن افغانستانی در دانشگاه بیرجند بود، ولی تعمیم نتایج را با محدودیت رو به رو می‌سازد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از جنسیت‌های برابر در نمونه‌ها استفاده شود. دوم این‌که، هر دو گروه از دانشجویان از فرهنگ‌های جمع‌گرا انتخاب شدند که احتمال دارد شباهت فرهنگی بالایی داشته باشند. لذا پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا مقایسه شوند. سوم این‌که، در این مطالعه ارتباط سلامت روان با طرحواره‌ها و تنظیم هیجانی در دو فرهنگ وارسی نشد. با توجه نتایج بعضی از پژوهش احتمال دارد یک راهبرد یا طرحواره در فرهنگ‌های مختلف رابطه یکسانی با سلامت روان نداشته باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد ارتباط آن‌ها با سلامت روان در فرهنگ‌های مختلف وارسی گردد.

منابع

حسنی، ج. (۱۳۸۹). خصوصیات روان سنجی پرسشنامه ی نظم جویی شناختی هیجان. *فصلنامه روانشناسی بالینی*، ۱۱، ۱۱۹-۹۲.

خانزاده، م.، ادریسی، ف.، محمدخوانی، ش، و سعیدیان، م. (۱۳۹۲). بررسی ساختار عاملی و مشخصات روانسنجی مقیاس طرحواره های هیجانی بر روی دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی بالینی*، ۳(۷)، ۸۴-۷۳. https://doi.org/10.22075/jcp.2017.2031

خسروی، ز.، موسوی، ف.، خاوری، ز و خاوری، م. (۲۰۲۳). مطالعهٔ بین فرهنگی نگرش به نقش های جنسیتی، ارزش های والدینی و فرسودگی در والدین ایرانی و مهاجران افغان. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۵(۳)، ۴۰۱-۴۲۹. https://doi.org/10.22059/jwica.2022.351319.1861

کریمی، م.، نریمانی، م و بشرپور، س. (۲۰۲۴). الگوی روابط ساختاری طرحواره‌های هیجانی و همجوشی شناختی با علائم اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان با تأکید بر نقش میانجی حساسیت اضطرابی: یک مطالعه توصیفی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۲(۱۲)، ۱۲۹۷-۱۳۱۴. http://journal.rums.ac.ir/article-1-7133-fa.html

Afrouz, R., Crisp, B. R., & Taket, A. (2023). Afghan women perceptions of gender roles, possibilities and barriers to change after settlement in Australia: A qualitative study. *Qualitative Social Work*, *22*(3), 569-586. https://doi.org/10.1177/14733250221076730

Aka, B. T. (2023). Cultural dimensions of emotion regulation. *Psikiyatride Güncel Yaklaşımlar*, *15*(3), 441-450. https://doi.org/https://doi.org/10.18863/pgy.1103621

Alemi, Q., Panter-Brick, C., Oriya, S., Ahmady, M., Alimi, A. Q., Faiz, H., Hakim, N., Hashemi, S. A. S., Manaly, M. A., & Naseri, R. (2023). Afghan mental health and psychosocial well-being: thematic review of four decades of research and interventions. *BJPsych open*, *9*(4), e125. https://doi.org/https://doi.org/10.1192/bjo.2023.502

Brandão, T., Brites, R., Hipólito, J., & Nunes, O. (2023). Perceived emotional invalidation, emotion regulation, depression, and attachment in adults: A moderated-mediation analysis. *Current Psychology*, *42*(18), 15773-15781. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s12144-022-02809-5

Edwards, E., Leahy, R., & Snyder, S. (2023). Patterns of emotional schema endorsement and personality disorder symptoms among outpatient psychotherapy clients. *Motivation and Emotion*, *47*(3), 412-422. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s11031-022-10000-3

Edwards, E. R., & Wupperman, P. (2019). Research on emotional schemas: A review of findings and challenges. *Clinical Psychologist*, *23*(1), 3-14. https://doi.org/10.1111/cp.12171

Ekici, E., Ugurlu, M., Yigman ,F., Safak, Y., & Ozdel, K. (2023). How much are they predictive for obsessive-compulsive symptom dimensions: beliefs, emotions, emotional schemas? *Current Psychology*, *42*(33), 29481-29498. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s12144-022-03969-0

Fischer, A. H., Kret, M. E., & Broekens, J. (2018). Gender differences in emotion perception and self-reported emotional intelligence: A test of the emotion sensitivity hypothesis. *PloS one*, *13*(1), e0190712. https://doi.org/https://doi.org/10.1371/journal.pone ۰۱۹۰۷۱۲.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]

Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2002). Manual for the use of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire. *Leiderdorp, The Netherlands: DATEC*, *23*(3), 141-149. https://doi.org/ https://doi.org/10.1027/1015-5759.23.3.141

Hinsz, V. B & ,.Bui, L. (2023). Socially shared affect: Shared affect, affect sharing, and affective processing in groups. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*. https://doi.org/https://doi.org/10.1037/gdn0000207

Jungblut, M., & Haim, M. (2023). Visual gender stereotyping in campaign communication: evidence on female and male candidate imagery in 28 countries. *Communication Research*, *50*(5), 561-583. https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0093650221102333

Karagöz, D., & Ramkissoon, H. (2023). Nostalgic emotions, meaning in life, subjective well-being and revisit intentions. *Tourism Management Perspectives*, *48*, 101159. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.tmp.2023.101159

Klein, N. D., Bravo, A. J., Conway, C. C., Keough, M. T., Pilatti, A., & Mezquita ,L. (2024). Individualism, collectivism, and emotion regulation: a cross-cultural examination among young adults from seven countries. *Current Psychology*, *43*(31), 26007-26018. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s12144-024-06226-8

Kondratyev, D. A & ,.Fomin, A. E. (2024). META-EMOTIONS: CONCEPT, STRUCTURE AND APPROACHES TO STUDY. *Russian Journal of Education and Psychology*, *15*(2), 178-202. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.newideapsych.2019.05.001

Kraus, B., Liew, K., Kitayama, S., & Uchida ,Y. (2024). The impact of culture on emotion suppression: Insights from an electrophysiological study of emotion regulation in Japan. *Biological Psychology*, *187*, 108767. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.biopsycho.2024.108767

Leahy, R. L .(۲۰۰۲) .A model of emotional schemas. *Cognitive and behavioral practice*, *9*(3), 177-190. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/S1077-7229(02)80048-7

Leahy, R. L. (2018). *Emotional schema therapy: Distinctive features*. Routledge. https://doi.org/https://doi.org/10.4324/9780203711095

Leahy, R. L. (2019). Introduction: Emotional schemas and emotional schema therapy. *International Journal of Cognitive Therapy*, *12*(1), 1-4. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s41811-018-0038-5

Leahy, R. L. (2022). Emotional Schemas. *Cognitive and behavioral practice*, *29*(3), 575-580. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2022.02.004

Leahy, R. L., Wupperman, P., Edwards, E., Shivaji, S., & Molina, N. (2019). Metacognition and emotional schemas: Effects on depression and anxiety. *International Journal of Cognitive Therapy*, *12*, 25-37. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s41811-018-0035-8

Mesman, J., Branger, M., Woudstra, M.-L., Emmen, R., Asanjarani, F., Carcamo, R., Hsiao, C., Mels, C., Selcuk, B., & Soares, I . .(۲۰۲۰)Crossing boundaries: A pilot study of maternal attitudes about child maltreatment in nine countries. *Child abuse & neglect*, *99*, 104257. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.104257

Mousavi, P. S. S., Mazaheri, M. A., Aslafi, T., Khalighi, F., & Poorganji, M. (2020). Attachment And culture: mother's perception of attachment related components and beliefs in Iran, Iraq and Afghanistan. *Early Child Development and Care*, *190*(11), 1778-1790. https://doi.org/https://doi.org/10.1080/0300 ٤٤٣٠,٢٠١٨,١٥٥٠٧٤٩

Ranjbar, S., Mazidi, M., Gross, J. J., Preece, D., Zarei, M., Azizi, A., Mirshafiei, M., & Becerra, R. (2023). Examining the cross cultural validity and measurement invariance of the Emotion Beliefs Questionnaire (EBQ) in Iran and the USA. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, *45*(3), 755-766. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s10862-023-10068-2

Renner, A.-M., & Masch, L. (2019). Emotional woman–rational man? Gender stereotypical emotional expressivity of German politicians in news broadcasts. *Communications*, *44*(1), 81-103. https://doi.org/https://doi.org/10.1515/commun-2017-0048

Saleem, S. M., Shoib, S., Dazhamyar, A. R., & Chandradasa, M. (2021). Afghanistan: decades of collective trauma, ongoing humanitarian crises, Taliban rulers, and mental health of the displaced population. *Asian journal of psychiatry*, *65*, 102854. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.ajp.2021.102854

Schunk, F., Trommsdorff, G., & König-Teshnizi, D. (2022). Regulation of positive and negative emotions across cultures: does culture moderate associations between emotion regulation and mental health? *Cognition and Emotion*, *36*(2), 352-363. https://doi.org/https://doi.org/10.1080/02699931.2021.1997924

Toussaint, L., Lee, J. A., Hyun, M. H ,.Shields, G. S., & Slavich, G. M. (2023). Forgiveness, rumination, and depression in the United States and Korea: A cross-cultural mediation study. *Journal of Clinical Psychology*, *79*(1), 143-157. https://doi.org/https://doi.org/10.1002/jclp.23376

Ventevogel, P., & Faiz, H. (2018). Mental disorder or emotional distress? How psychiatric surveys in Afghanistan ignore the role of gender, culture and context. *Intervention Journal of Mental Health and Psychosocial Support in Conflict Affected Areas*, *16*(3), 20.214-7. https://doi.org/https://doi.org/10.4103/INTV.INTV_60_18

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.1.21]